

A Comparative Study of the Concept of Spirituality in the Views of Ian Mathews and Martyr Motahhari with an Emphasis on the Book “Social Work and Spirituality”¹



Mohammad Dehghani Shourki¹ 

Mohammad Mohsen Hasankhah² 

1. Master's student in Psychology, Faculty of Psychology, Institute of Ethics and Education, Qom, Iran (Corresponding Author).
mdsh199296@gmail.com

2. PhD Student in Quran and Psychology, Department of Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
hkh730@gmail.com

Abstract

The research was conducted with the aim of a comparative analysis of the concept of spirituality from the viewpoints of Ian Mathews and Martyr Motahhari. The research method was qualitative content analysis and a comparative study of the texts of these two thinkers. The findings indicated that both views recognize spirituality as a necessary source for meaning, hope, resilience, and identity reconstruction in the process of social work, but they have fundamental differences in foundations and outcomes. Mathews, with a secular and psychological approach, views spirituality as an individual and trans-religious experience, whereas Motahhari roots it in divine nature (*fitra*) and links it to faith. This difference manifests in two types of application in practice: Mathews'

1. Dehghani Shourki, M.; Hasankhah, M. M. (2025). A Comparative Study of the Concept of Spirituality in the Views of Mathews and Martyr Motahhari with an Emphasis on the Book “Social Work and Spirituality.” *Islamic Spirituality Research*, 4(1), pp. 96-121.

<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.72130.1153>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/05/11 • **Revised:** 2025/07/12 • **Accepted:** 2025/08/07 • **Online Publication:** 2025/09/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



approach, using tools such as spiritual assessment and narrative therapy, although practical, has mostly short-term effects due to the lack of ultimate foundations. However, the approach based on Motahhari's divine spirituality, relying on faith and ethical training, creates a sustainable motivation for life reconstruction. Consequently, this research suggests that integrating "cultural sensitivity and Mathews' tools" with the "ultimate foundation of Motahhari's divine spirituality" can provide a comprehensive and efficient framework for social work in the Islamic-Iranian context, simultaneously responding to psycho-social and spiritual-religious needs, thereby increasing the effectiveness of services.

Keywords

Spirituality, Social Work, Ian Mathews, Martyr Motahhari, Comparative Study, Secular Spirituality, Religious Spirituality.

بررسی مقایسه‌ای مفهوم معنویت در دیدگاه ماتئوس و شهید مطهری

با تأکید بر کتاب مددکاری اجتماعی و معنویت^۱

محمد دهقانی شورکی^۱ محمد محسن حسن‌خواه^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mdsh199296@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

hkh730@gmail.com



چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و مقایسه تطبیقی مفهوم معنویت از دیدگاه ایان ماتئوس و شهید مطهری انجام شده است و روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی و بررسی مقایسه‌ای متون این دو اندیشمند بود. یافته‌ها نشان داد که هر دو دیدگاه، معنویت را به عنوان منبعی ضروری برای معنا، امید، تاب‌آوری و بازسازی هویت در فرایند مددکاری اجتماعی می‌شناسند؛ اما در مبانی و پیامدها تفاوت بنیادین دارند. ماتئوس با رویکردی سکولار و روان‌شناختی، معنویت را تجربه‌ای فردی و فرادینی می‌داند، درحالی‌که مطهری آن را ریشه‌دار در فطرت الهی و وابسته به ایمان می‌داند. این تفاوت در عرصه عمل منجر به دو گونه کاربردی می‌شود: رویکرد ماتئوس با ابزارهایی مانند ارزیابی معنوی و روایت‌درمانی، اگرچه کاربردی است؛ اما به دلیل نبود بنیان غایی، اثراتی بیشتر کوتاه‌مدت دارد؛ اما رویکرد مبتنی بر معنویت

۱. دهقانی شورکی، محمد؛ حسن‌خواه، محمد محسن. (۱۴۰۴). بررسی مقایسه‌ای مفهوم معنویت در دیدگاه ماتئوس و شهید مطهری با تأکید بر کتاب مددکاری اجتماعی و معنویت. معنویت‌پژوهی اسلامی، ۴(۱)، صص ۹۶-۱۲۱.

<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.72130.1153>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



الهی مطهری، با تکیه بر ایمان و تربیت اخلاقی، انگیزه‌های پایدار برای بازسازی زندگی ایجاد می‌کند. در نتیجه، این پژوهش پیشنهاد می‌کند که تلفیق «حساسیت فرهنگی و ابزارهای مانتوس» با «بنیان غایی معنویت الهی مطهری» می‌تواند چارچوبی جامع و کارآمد برای مددکاری اجتماعی در بستر اسلامی-ایرانی فراهم کند که همزمان به نیازهای روانی-اجتماعی و روحی-معنوی پاسخ می‌گوید و اثربخشی خدمات را افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

معنویت، مددکاری اجتماعی، ایان مانتوس، شهید مطهری، مقایسه تطبیقی، معنویت سکولار، معنویت دینی.

مقدمه و بیان مسئله

معنویت به عنوان یکی از جنبه‌های بنیادین زندگی انسان، با وجود پیچیدگی‌های اجتماعی، فرهنگی و فردی، یکی از گمشده‌های دنیای معاصر است. معنویت می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی افراد و حمایت از آن‌ها، به ویژه در حوزه مددکاری اجتماعی، ایفا کند. در این راستا، ایان ماثوس در کتاب مددکاری اجتماعی و معنویت به بررسی ابعاد گوناگون معنویت از دیدگاه خود پرداخته و تلاش کرده است تا روش‌های کاربردی برای رفع نیازهای معنویت مددجویان ارائه دهد. از سوی دیگر، شهید مطهری به عنوان یکی از طلایه‌داران اندیشه معاصر شیعه به مبحث معنویت به عنوان یکی از ارکان اساسی تعالی و کمال انسان پرداخته است. این پژوهش به مقایسه و تحلیل دیدگاه‌های ایان ماثوس و شهید مطهری درباره معنویت می‌پردازد تا بتواند دیدگاهی کاربردی در زمینه معنویت را در مددکاری اجتماعی ارائه دهد.

۱. اهمیت و ضرورت

در سال‌های واپسین، موضوع «معنویت» در مددکاری اجتماعی مورد توجه پژوهشگران غربی قرار گرفته است؛ اما بیشتر این رویکردها بر مبانی سکولار و تجربه‌گرایانه استوارند و کمتر به جنبه‌های الهی و فطری معنویت توجه دارند. خلأ پژوهش‌های تطبیقی که به بررسی و تلفیق دو نوع معنویت - سکولار و دینی - در حوزه مددکاری اجتماعی بپردازند، ضرورت انجام مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای را آشکار می‌سازد. تبیین این تفاوت‌ها می‌تواند به بومی‌سازی مفهوم معنویت در مددکاری اجتماعی ایران و ارتقای کیفیت خدمات اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی کمک کند؛ همچنین، بررسی و مقایسه دیدگاه‌های گوناگون در این زمینه می‌تواند به شناخت بهتر این مفهوم و کاربردهای آن در حوزه‌های گوناگون کمک کند. تحلیل و تفریع دیدگاه‌های شهید مطهری در ذیل علوم و فنون گوناگون نیز می‌تواند به

کارآمدی بیشتر آنها در بستر جامعه ایرانی و اسلامی مایینجامد.

همچنین، با توجه به جایگاه کتاب ایان مائوس به عنوان یک منبع دانشگاهی در ایران و با در نظر گرفتن کاستی‌های فاحش در ترجمه فارسی این اثر، به نظر کارآمدی علمی آن به طور محسوسی کاهش یافته است؛ از این رو، انجام پژوهش و واکاوی دقیق در محتوای این کتاب، ضروری می‌باشد؛ چراکه درک صحیح این متن برای دانشجویان در بستر بومی و فضای علمی اسلامی ایران حائز اهمیت است.

۲. هدف و پرسش‌های تحقیق

هدف این پژوهش، بررسی و مقایسه مفهوم و ابعاد معنویت از دیدگاه ایان مائوس و شهید مطهری و تبیین پیامدهای آن برای مددکاری اجتماعی است. براین اساس، پژوهش در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. معنویت از دیدگاه ایان مائوس چه ابعاد و ویژگی‌هایی دارد؟
۲. معنویت در اندیشه شهید مطهری چگونه تعریف و تبیین می‌شود؟
۳. مهم‌ترین اشتراکات و تمایزات این دو دیدگاه در مبانی، اهداف و کاربردهای معنویت چیست؟
۴. نتایج این تفاوت‌ها در عرصه مددکاری اجتماعی و خدمات انسانی چه تأثیری دارد؟

۳. روش تحقیق و منابع

تحقیق حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی و بررسی مقایسه‌ای (تطبیقی) انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه و تحلیل اثر اصلی ایان مائوس یعنی کتاب مددکاری اجتماعی و معنویت و آثار شهید مطهری، خاصه کتاب آزادی معنوی، بررسی شده‌اند؛ همچنین برای غنای نظری تحقیق، از پژوهش‌های مرتبط داخلی و خارجی در حوزه معنویت و مددکاری اجتماعی بهره گرفته شده است.

۴. مفهوم معنویت در ادبیات پژوهش

۴-۱. معانی لغوی معنویت

کلمه «معنویت»^۱ از ریشه عربی «مَعْنَى» (ع - ن - ی) گرفته شده و صفت آن «مَعْنَوِيٌّ» است. این کلمه در منابع لغوی کهن عربی و فارسی، به معانی «منسوب به معنی»، «غیر مادی» و «باطنی» به کار رفته و همواره در مقابل کلمه «مادی» قرار گرفته است. در بررسی لغت‌نامه‌های معتبر، تعریف این کلمه بیشتر بر جنبه‌های درونی و غیر محسوس وجود انسان تأکید دارد. در منابع لغوی، واژه‌ی «معنویت» مفهومی درونی، قلبی و غیرمادی دانسته شده است؛ چنان‌که در اقرب الموارد، آن امری معرفی می‌شود که «زبان را در آن بهره‌ای نیست و تنها با قلب شناخته می‌شود» (شرتونی، ۱۹۹۶م) و در المعجم الوسیط، در برابر مادیت و به‌عنوان «امر ذهنی و فکری و غیر محسوس» توصیف گردیده است (مجمع اللغة العربية، ۱۹۹۸م)؛ همچنین در المنجد فی اللغة العربية المعاصرة، افزون بر معنای «غیرمادی»، بر ابعاد ذهنی و اجتماعی آن همچون «حقوق معنوی» و «دعم معنوی» نیز تأکید شده است (ریهبانی، ۲۰۰۵م). در زبان فارسی نیز، دهخدا «معنوی» را «منسوب به معنی» و مترادف با «حقیقی»، «ذاتی»، «باطنی» و «روحانی» دانسته و تصریح کرده است که حقیقت آن تنها با قلب شناخته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷). از این رهگذر، معنویت در هر دو سنت زبانی عربی و فارسی، ناظر به ساحتی غیرحسی، باطنی و روحانی است که بر تجربه‌ی قلبی و درونی دلالت دارد.

۴-۲. مفهوم معنویت در ادبیات پژوهشی معاصر غرب

در ادبیات معاصر غربی، به‌ویژه در روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی، معنویت مفهومی چندبعدی و پدیدارشناختی است که با جنبه‌های روانی، اجتماعی و وجودی انسان ارتباط دارد. اگرچه ریشه‌های آن در سنت‌های دینی قرار دارد، در دوران جدید به‌صورت رویکردی انسان‌گرایانه و فرادینی تبیین می‌شود. پارگامنت معنویت را

1. Spirituality

«جست‌وجوی امر مقدس در درون یا بیرون از سنت دینی» می‌داند، بدین معنا که تجربه‌ی قداست می‌تواند مستقل از نهاد دین نیز تحقق یابد. الکینز و همکاران، آن را «آگاهی از واقعیتی متعالی که به زندگی معنا می‌بخشد» توصیف کرده‌اند که در آن ارزش‌هایی مانند عشق و اخلاق بنیان تجربه‌ی معنوی هستند (Elkins, et. al, 1988)؛ همچنین، ماتئوس معنویت را نیرویی درونی می‌داند که انسان را به سوی معنا و هدف در زندگی سوق می‌دهد (Mathews, 2009, p. 52). در رویکردهای کاربردی‌تر، معنویت با ماهیت وجودی انسان و جوهره‌ی فردی او مرتبط است و «روح»^۱ را به‌مثابه نفس و منبع نیرو، امید و انگیزه‌ی زیستن معرفی می‌کند که به فرد امکان می‌دهد در شرایط بحرانی پایداری ورزد و بر دشواری‌ها فائق آید (اعوانی، ۱۳۸۲، ص ۲۸).

در روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی، معنویت به‌عنوان منبعی مؤثر در تاب‌آوری و سلامت روانی شناخته می‌شود (Smith & Jones, 2020) و ویلیامز آن را عاملی برای ارتقای کیفیت زندگی بیماران می‌داند (Williams, 2018). زوهر و مارشال در نظریه‌ی «هوش معنوی»^۲، معنویت را توانایی معنادادن به تجربه‌های زندگی و پیوند با کل هستی معرفی کرده‌اند که شکل متعالی هوش انسانی است و فراتر از منافع فردی، به وحدت وجودی می‌انجامد. در رویکرد معنویت سکولار و تجربه‌گرا که در آثار ماتئوس تبیین شده، دین فقط یکی از مسیرهای بروز معنویت دانسته می‌شود؛ معنویت تجربه‌ای درونی و شخصی است که در فلسفه، طبیعت و روابط انسانی نیز متجلی می‌شود (Mathews, 2009, pp. 52-89). در این نگرش، معنویت به باورها، ارزش‌ها و تجارب فردی مانند شفقت، توانمندسازی و مقابله با ستم‌گری پیوند دارد و علاوه بر بُعد فردی، ناظر به مسئولیت اجتماعی و ایجاد جوامع «سالم معنوی» است. هدف آن، بهبود کیفیت زندگی و سلامت روان است؛ هرچند به دلیل نبود نگاه جامع به حقیقت انسان، گاه به نسبی‌گرایی و فرد‌گرایی افراطی می‌انجامد.

1. Spirit

2. Spiritual Intelligence

۳-۴. مفهوم معنویت در ادبیات پژوهشی الهی و فطری

در منابع اسلامی، معنویت ریشه در فطرت الهی و پیوند وجودی انسان با خداوند دارد و برخلاف نگرش سکولار، به عنوان فرایند سیر و صعود انسان از عالم ماده به سوی قرب الهی تعریف می‌شود. از دیدگاه شهید مطهری، معنویت حقیقتی فطری و ذاتی در وجود انسان است که او را در مسیر تعالی فردی و اجتماعی به سوی خداوند رهنمون می‌سازد (مطهری، ۱۳۸۸). وی آن را بر پایه عقلانیت، دانایی، توانایی، زیبایی و نیکویی می‌داند و جوهره‌ی آن را در آزادی معنوی، یعنی رهایی از اسارت نفس و بندگی شهوات از طریق عبودیت حق، معرفی می‌کند. علامه طباطبایی معنویت را حرکت وجودی انسان به سوی کمال مطلق از مسیر ترکیه، معرفت و ارتباط با حقیقت الهی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴)؛ همچنین مصباح یزدی، آن را رشد درونی انسان مبتنی بر معرفت و عبودیت معرفی می‌کند و تأکید دارد که بدون ایمان و عمل صالح، معنویت حقیقی تحقق نمی‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۹). در این چارچوب، معنویت اسلامی برخلاف معنویت سکولار تجربه گرا (مانند دیدگاه: Mathews, 2009)، مفهومی هستی‌شناختی، توحیدی و غایت‌مدار است که ساختار متعادلی برای زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌کند. پژوهش‌های جدید نیز این رویکرد را تأیید کرده‌اند؛ چنان‌که احمدی‌فراز و اژدري (۱۳۹۲) معنویت اسلامی را راهی برای آرامش درونی از مسیر اتصال با خدا دانسته‌اند، فتحی و امرانی (۱۳۹۵) آن را عامل سلامت روان و انسجام اجتماعی معرفی کرده‌اند، و نظریور و سپاهی (۱۳۹۸) در اندیشه‌ی مطهری، معنویت را بنیادی‌ترین عامل رشد انسان و پیوند الهیات و اخلاق برشمرده‌اند.

۵. تعریف معنویت از نظر ایان ماثیوس

ایان ماثیوس در کتاب مددکاری اجتماعی و معنویت با این فرض که معنویت جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان است، استدلال می‌کند مددکاری اجتماعی بدون توجه به بعد معنوی مددجویان ناقص خواهد ماند و مددکاران باید با «حساسیت معنوی» آموزش ببینند تا به نیازهای معنوی پاسخ دهند (Mathews, 2009, p. 10). ساختار کتاب دو بخش

مشخص دارد: بخش نخست (فصول ۱-۳) مبانی نظری، تفاوت‌ها و رابطه دین و معنویت، اهمیت زمینه فرهنگی و نقش جامعه در شکل‌دهی معنویت را بررسی می‌کند (فصل ۱: «معنویت چیست؟»، ص ۱؛ فصل ۲: «زمینه فرهنگی معنویت»، ص ۱۹؛ فصل ۳: «جوامع و معنویت»، ص ۳۶)، و بخش دوم (فصول ۴-۷) وجه تخصصی و کاربردی را در گروه‌های گوناگون مددجویی تبیین می‌نماید؛ از جمله معنویت و سالمندان (فصل ۴، ص ۵۶)، معنویت و ناتوانی (فصل ۵، ص ۷۴)، معنویت و پریشانی روانی با طرح مفهوم «جابه‌جایی معنوی» (فصل ۶، ص ۹۱) و معنویت کودکان همراه با چارچوب‌های حمایتی (فصل ۷، ص ۱۰۸). در مجموع، ماثئوس ضمن ارائه چارچوب نظری و فصول موردی، بر تکرار مضامین کلیدی مانند اهمیت روابط، همدلی، ارزیابی کل‌نگر و ضد ستمگری در همه زمینه‌های مددکاری تأکید دارد (Mathews, 2009).

ایان ماثئوس، معنویت را بعدی اساسی از زندگی انسانی می‌داند که با جست‌وجوی معنا و هدف در زندگی ارتباط مستقیم دارد و آن را مفهومی چندوجهی، دشوار در تعریف و فاقد معنای واحد می‌خواند (Mathews, 2009). او معنویت را تجربه‌ای درونی و شخصی می‌بیند که می‌تواند در بستر دین، فلسفه، طبیعت یا روابط انسانی بروز یابد و منبعی از انگیزه، قدرت و امید برای رویارویی با دشواری‌های زندگی باشد. در نگاه او، کلمه «روح» در قلب اندیشه معنویت قرار دارد و از ریشه‌های باستانی یونانی *pneuma*، عبری *ru'ach* و لاتین *spiritus* گرفته شده که به «نفس» و «جوهر حیاتی» انسان اشاره دارد. به باور او، دین صرفاً یکی از راه‌های بروز معنویت است و الزاماً شرط تحقق آن نیست، بلکه هر فرد از طریق ایمان، هنر، روابط یا نقش‌های اجتماعی می‌تواند به معنا و هدف دست یابد. در همین راستا، مؤسسه ملی سلامت روان انگلستان نیز معنویت را «قدرت، انرژی و امید درونی انسان» می‌داند که او را در مسیر تحقق خویشتن و تاب‌آوری در برابر مشکلات یاری می‌کند (Nimhe, 2003). ماثئوس تأکید می‌کند که نادیده گرفتن این بُعد در حرفه‌های انسانی، به‌ویژه در مددکاری اجتماعی، موجب تضعیف کارایی در مواجهه با بحران‌هایی چون سوگ، تنهایی و رنج وجودی می‌شود؛ ازاین‌رو، وی با استناد به دیدگاه تیزی (Tacey, 2004) بر ضرورت بهره‌گیری از حساسیت معنوی در مددکاری اجتماعی

تأکید دارد تا از این منبع درونی برای ارتقای سلامت روانی و رشد متعالی مددجویان استفاده شود.

به گفته بری.آر (Mathews, 2009) معنویت دارای ابعاد چندگانه است که حیات فردی، اجتماعی و فرهنگی انسان را دربر می‌گیرد. در بُعد هستی‌شناسانه، معنویت به جوهره وجودی و نیروی حیاتی انسان اشاره دارد که سرچشمه تاب‌آوری، امید و هویت فردی است و در واژه‌های باستانی مانند ru'ach pneuma و spiritus نیز به «نفس حیاتی» دلالت دارد. در بُعد ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌ها، معنویت با معنا و هدف زندگی، جهان‌بینی، ارزش‌های اخلاقی و روابط انسانی پیوند دارد (Elkins, et. al, 1988; Koenig, et. al, 2001). بُعد کاربردی معنویت نیز در سه سطح فرهنگی، اجتماعی و فردی آشکار می‌شود: از شکل‌دهی چارچوب فرهنگی و پذیرش تکثر تا تقویت انسجام اجتماعی و تغییر ساختارهای ستمگر (Moss, 2005; Tacey, 2004) و پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی گروه‌های گوناگون مانند سالمندان، ناتوانان و کودکان در بحران‌های وجودی (Williams, 2018; Coleman, 2002; Jones, Smith, 2020).

۵-۱. نقش معنویت در مددکاری اجتماعی براساس دیدگاه مائتوس

از دیدگاه مائتوس معنویت نقشی اساسی در مددکاری اجتماعی دارد؛ زیرا این حرفه را قادر می‌سازد به نیازهای عمیق انسانی پاسخ دهد که علم و منطق به‌تنهایی از عهده‌ی آن برنمی‌آیند. وی معتقد است بسیاری از مسائل مددکاری اجتماعی همچون فروپاشی روابط، تنهایی، سوگ و فقدان، از جنسی‌اند که توضیحات عقلانی برایشان ناکافی است و در این موقعیت‌ها تنها معنویت می‌تواند تسکین‌بخش باشد. در تأیید این دیدگاه، (Moss, 2005; Tacey, 2004) نیز یادآور می‌شود که حیات انسانی فرآیندی صرفاً آزمایشگاهی نیست و علم، در بسیاری موارد، پاسخ‌های ناکافی و غیررضایت‌بخش ارائه می‌دهد. بری.آر با اشاره به تجارب حرفه‌هایی چون پرستاری، بر اهمیت «همراهی انسانی و گوش دادن همدلانه» در کنار درمان علمی تأکید می‌کند. باین حال، او نادیده گرفتن منطق و روش علمی را نیز خطا می‌داند و بر ضرورت

تلفیق رویکردهای معنوی با عمل مبتنی بر شواهد علمی در مددکاری اجتماعی تأکید می‌ورزد (Mathews, 2009).

او در کتاب خود اشاره می‌کند: «مطالعات متعدد نشان داده‌اند که معنویت و باورهای مذهبی تأثیر مثبتی بر سلامت جسمی و روانی افراد دارند. به عنوان مثال، کونیگ و همکاران در تحقیقات خود در آمریکا دریافتند که افرادی که به طور منظم به کلیسا می‌روند و به آیین‌های مذهبی پایبندند، طول عمر بیشتری دارند، فشار خون کمتری تجربه می‌کنند و خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی در آن‌ها کمتر است؛ همچنین، این افراد میزان کمتر مرگ و میر ناشی از بیماری قلبی و حملات قلبی، افزایش موفقیت در جراحی پیوند قلب، کاهش سطح کلسترول، کاهش سطح درد در افراد مبتلا به سرطان را تجربه می‌کنند (Lindridge, 2007; Koenig, et. al, 2001) یافته‌های مشابهی در مطالعات دیگر نیز به دست آمده است. برای مثال، اخیراً یک مقاله از بنیاد سلامت روان ادعا می‌کند که: ... معنویت ممکن است احساسات منفی مانند خشم، ترس و انتقام را کاهش دهد و سطح تنش را کاهش دهد. این کاهش ممکن است به سیستم ایمنی قوی‌تر، کاهش فشار خون و کاهش خطر بیماری‌های قلبی عروقی و سکتة منجر شود. به عنوان مثال، فردی که یوگا تمرین می‌کند احتمالاً کاهش اضطراب، افسردگی، اختلال استرس پس از سانحه، استرس و بیماری‌های پزشکی مرتبط با استرس را تجربه می‌کند (Lindridge, 2007; Koenig, et. al, 2001) مطالعات دیگر همچنین مزایای اعتقاد معنوی را برای بهبودی از سوگ عزیزان گزارش کرده‌اند (Coleman et. al, 2002; Walsh et. al, 2002). دلایلی که به بهبود سلامت روان کمک می‌کنند، پیچیده هستند و ممکن است شامل موارد زیر باشند: حضور در مکان‌های عبادی می‌تواند حس هویت و تعلق را تقویت کند و انگیزه‌ای برای بیدارشدن در صبح و انجام فعالیت‌ها فراهم آورد؛ همچنین، انجام آیین‌ها و مراسم مذهبی، مانند نمازهای روزانه و پیروی از تقویم مذهبی و اعمال گوناگون در طول سال به زندگی ساختار و معنا می‌بخشد. عبادتگاه‌ها و گروه‌های مذهبی در مواقع بحرانی حمایت‌های عملی و عاطفی ارائه می‌دهند. بیان معنوی و ارتباط با نیروهای فراتر از فرد می‌تواند بهزیستی روانی را تقویت کند. نگرشی که معنویت به

زندگی می‌بخشد، در دنیایی پر از ناپایداری، اطمینان و حس امنیت را به همراه دارد. شاید متوجه شده باشید که بسیاری از این فواید به هویت، معنا مرتبط هستند، که همگی برای درک اینکه ما چه کسی هستیم و چگونه با دنیای پیرامونمان ارتباط برقرار می‌کنیم، بسیار دارای اهمیت هستند» (Mathews, 2009, p. 48).

۵-۲. دین، معنویت و مددکاری اجتماعی از نگاه ماثوس

به گفته‌ی ماثوس (Mathews, 2009, p. 48)، دین و معنویت نقش تاریخی و حیاتی در مددکاری اجتماعی داشته‌اند و پیوند نزدیکی با ارائه خدمات مراقبت اجتماعی برقرار کرده‌اند. بسیاری از خدمات اجتماعی اولیه به واسطه سازمان‌های مذهبی ارائه شده و ارزش‌هایی همچون شفقت، خدمت و مسئولیت مدنی، افراد مؤمن را به مشارکت و ارائه منابع خود برای رفع نیازهای دیگران ترغیب کرده است؛ برای نمونه، در بریتانیا، مؤسسات قرون وسطایی و مدارس دینی، آموزش و پرستاری فقرا را بر عهده داشتند و صدقه‌دادن به فقرا وظیفه‌ای دینی تلقی می‌شد (Neuberger, 2004؛ Mathews, 2009, pp. 50-59). این رابطه دین و معنویت با مددکاری اجتماعی، حوزه‌ای وسیع و نیازمند مطالعه مستقل است.

با این حال، ماثوس (Mathews, 2009, pp. 71-79؛ Baskin, 2002) به دلایل نادیده گرفته شدن دین در مددکاری اجتماعی اشاره می‌کند: نخست، تاریخ و اعمال برخی گروه‌های مذهبی در تبعیض، مردسالاری و سوءاستفاده، سبب از دست رفتن اعتماد و رشد سکولاریسم شده است. دوم، پایه علمی مددکاری اجتماعی در علوم اجتماعی و روان‌شناسی سکولار سبب بی‌توجهی به دین می‌شود؛ نمونه آن دیدگاه مارکس، وبر، دورکیم و فروید درباره دین است. در نتیجه، مددکاران اجتماعی بیشتر نسبت به دین بی‌علاقگی یا ضدیت نشان می‌دهند و دوره‌های آموزشی نیز نقش معنویت و ایمان را به رسمیت نمی‌شناسند. این شکاف میان معنویت و مددکاری اجتماعی موجب کاهش کیفیت خدمات و توانمندی حرفه در پاسخ به نیازهای معنوی جامعه می‌شود (Mathews, 2009, pp. 71-79؛ Baskin, 2002).

۶. مفاهیم کلیدی معنویت در اندیشه مطهری

مطهری با طرح چند عنصر اساسی، چارچوب مفهومی معنویت را ترسیم می‌کند. مهم‌ترین این مفاهیم عبارت‌اند از:

غیب و ماوراءالطبیعه: در نگاه مطهری، رکن اصلی معنویت «جهان غیب» و غنای عالم ماوراست (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۲۶) او تصریح می‌کند که اسلام جهان‌بینی‌ای دارد مرکب از غیب و شهادت، و معنویت یعنی اصالت دادن به بخش غیبی وجود (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۲۶).

ایمان به عنوان امری روحانی: ایمان دینی در نظر ایشان «واقعاً یک امر معنوی» است. یعنی ایمان نوعی شناخت و گرایش خاص روحی نسبت به جهان به‌شمار می‌آید؛ از این رو، ایمان و معنویت را دو مقوله جدانشدنی می‌داند؛ چنان‌که می‌گوید «معنویت و انسانیت دو امر تفکیک‌ناپذیرند» (رودگر، ۱۴۰۱).

فطرت: طبقه‌ای انسانی دروازه ورود به عالم معنویت است. مطهری معتقد است انسان «همواره دروازه معنویت، غیب و ملکوت بوده است» و فطرت الهی او را به عالم معنویت پیوند داده است. به عبارت دیگر، نیازهای معنوی انسان ریشه در فطرت دارد و خدمت به دیگران نیز جزو خواسته‌های ذاتی بشر شمرده می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۴).

تکامل و رشد: معنویت پایه و اساس رشد و کمال انسان است. استاد مطهری می‌فرماید: «از نظر قرآن، معنویت پایه تکامل است؛ این همه عبادات که در اسلام بر روی آن تکیه شده است، برای تقویت جنبه معنوی روح انسان است...» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۵، ص ۱۷۲). معنویت برای او زیرساخت توسعه وجودی و دستیابی به سیر تکامل انسانی به‌شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۵، ص ۱۷۲).

عدالت: در اندیشه مطهری، عدالت اجتماعی و معنویت دوبه‌هم پیوسته‌اند. او می‌گوید: «اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد، پایه معنویت هم متزلزل خواهد بود» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۴۳). به نظر او معنا و پابندی به ارزش‌های اخلاقی و عبادی در کنار تحقق عدالت می‌تواند معنویت راستین جامعه را تضمین کند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۴۳).

آزادی درونی و بیرونی: آزادی حقیقی نیز در تفسیر ایشان با معنویت گره خورده
 است. از دید مطهری آزادی بیرونی بدون آزادی درونی محقق نمی‌شود؛ به‌طوری که نبود آزادی درونی درنهایت به استبداد ختم می‌شود. او می‌گوید معنویت همان جانمایه آزادی درونی است و آزادی به معنای اسلامی زمینه رشد معنویت را فراهم می‌کند (رودگر، ۱۴۰۱).

۱-۶. ضرورت نیاز انسان به معنویت

مطهری فلسفه نیاز انسان به معنویت را در ترکیبی از فطرت الهی و هدف‌مندی وجود بشر می‌داند. به نظر او انسان جدا از نیازهای جسمانی و زیستی، «نیازهای معنوی و روحانی» نیز دارد که با تولد همراه او هستند و تأمین آن‌ها امری فطری است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۶۱۶). او تأکید می‌کند که آدمی «فطرتاً نیازمند خدمت به دیگران است»، و اگر این زمینه خدادادی سالم بماند، نمی‌تواند نسبت به مشکلات هموعانش بی‌تفاوت باشد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۶۱۸) همچنین مطهری معتقد است انسان بدون معنویت، انسان حقیقی نیست؛ او می‌گوید «انسان بدون معنویت را انسان حقیقی نمی‌داند» و ایمان و معنویت را جزء سرشت آدمی می‌شمرد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۵، ص ۱۷۵)؛ از این رو، معنویت را «پایه و اساس» رشد و کمال انسان می‌داند؛ همان‌طور که خود فرموده است: «معنویت پایه تکامل است» به بیان دیگر، برای مطهری معنویت تکمیل‌کننده ابعاد وجودی انسان و ضامن دستیابی به کمالات والای اوست، و به همین دلیل انسان به آن نیازمند است (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹).

۲-۶. معنویت در مددکاری اجتماعی از نگاه شهید مطهری

از دیدگاه شهید مطهری (و بر مبنای آموزه‌های اسلامی)، حضور معنویت در امور اجتماعی فواید و ثمرات متعددی در پی دارد. به عنوان مثال:
برای شخص مددکار: معنویت وظیفه خدمت به خلق را باری الهی و مقدس می‌داند. خدمات اجتماعی صادقانه راه رسیدن به رضایت خدا و پاداش معنوی عظیم

است (زاهدی اصل، ۱۴۰۲)؛ افزون‌براین، عمل به معنویات باعث «تزکیه نفس» مددکار می‌شود: انجام اعمال صالح و کمک به نیازمندان نه تنها روح مددکار را پالایش می‌کند بلکه «انسانیت او را پرورش داده و با تکرار نیکی‌ها به مقام تقوا می‌رساند». به عبارتی، فردی که کار خود را در چارچوب معنویت پیش می‌برد با امید به پاداش الهی، استقامت، دلسوزی و مسئولیت‌پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهد (زاهدی اصل، ۱۴۰۲).

برای مددجویان: معنویت تسلی‌بخش و امیدزا است. کمک و انفاق به مستمندان طبق روایات اهل بیت علیهم‌السلام «کفاره گناهان بزرگ» و موجب زدودن غم از چهره مصیبت‌دیدگان می‌شود. به این ترتیب، دریافت خدمت صادقانه از یک مددکار معنوی می‌تواند روحیه مددجو را جریانی دهد، احساس آرامش و امید در او ایجاد کرده و انگیزه ادامه مسیر را در او تقویت کند؛ همچنین، دریافت صدقه یا کمک، براساس آموزه‌های دینی، عاملی برای «تزکیه و تطهیر» نفس مددجو است (زاهدی اصل، ۱۴۰۲)؛ بنابراین، حضور معنویت در مددکاری اجتماعی سبب می‌شود مددجو نه فقط از نظر مادی، بلکه از نظر معنوی نیز تحت حمایت قرار گیرد و تجارب ناخوشایند را با اتکال به خدا و حمایت جامعه پشت سر بگذارد.

۷. مقایسه دو دیدگاه

ماتئوس معنویت را به عنوان تجربه‌ای فردی و درونی می‌داند که جستجوی معنا و هدف در زندگی را شامل می‌شود و به عنوان منبعی برای حمایت روانی و اجتماعی در مواجهه با چالش‌های زندگی عمل می‌کند. در نگاه او، معنویت بیشتر از منظر فرآیندهای روان‌شناختی و اجتماعی بررسی می‌شود و ابعاد الهی و متعالی آن کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این دیدگاه، معنویت را به عنوان ابزار انسانی برای یافتن معنا و مدیریت بحران‌های فردی و اجتماعی تعریف می‌کند؛ اما ارتباط آن با کمال الهی و هدف نهایی زندگی را نادیده می‌گیرد.

در مقابل، شهید مطهری معنویت را به عنوان رکن اساسی تعالی انسان و ارتباط با خداوند می‌بیند و معتقد است معنویت واقعی بدون اتصال به حقیقت الهی و پذیرش

مسئولیت انسانی امکان‌پذیر نیست (مطهری، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۸). از این منظر، معنویت سکولار فقط به تلاش‌های انسانی برای دستیابی به زندگی معنا دار محدود می‌شود و قادر به پاسخگویی به پرسش‌های اساسی وجودی مانند «معنای نهایی زندگی چیست؟» نیست. در معنویت اسلامی، جهان هدف‌مند و هدایت‌شده است و انسان به عنوان خلیفه خدا مسئول تحقق تقرب الهی و سعادت ابدی است، درحالی که معنویت سکولار به تجربه‌های فردی و خودشناسی برای ایجاد معنا در زندگی متکی است.

۷-۱. نقاط اشتراک دو دیدگاه

۷-۱-۱. هر دو دیدگاه به اهمیت معنویت در زندگی انسان اذعان دارند و آن را به عنوان عنصری کلیدی برای بهبود کیفیت زندگی و مقابله با چالش‌های روانی و اجتماعی مطرح می‌کنند.

۷-۱-۲. هر دو تأکید دارند که معنویت می‌تواند به عنوان یک منبع حمایت روانی و اجتماعی در مواقع بحرانی عمل کند و به افراد کمک کند تا با مشکلات و چالش‌های زندگی بهتر مواجه شوند.

۷-۱-۳. هر دو دیدگاه بر این باورند که معنویت می‌تواند به رشد فردی و خودشناسی کمک کند و به افراد احساس معنا و هدف در زندگی بدهد.

۷-۲. نقاط اختلاف دو دیدگاه

۷-۲-۱. مفهوم معنویت: ایان ماتئوس معنویت را به عنوان یک تجربه درونی و شخصی تعریف می‌کند که براساس باورها، ارزش‌ها، و تجربیات فردی شکل می‌گیرد، درحالی که شهید مطهری معنویت را با اتصال به خداوند و تکامل الهی تعریف می‌کند. در دیدگاه مطهری، معنویت به معنای جستجوی حقیقت ابدی و حرکت به سوی کمال نهایی است.

۷-۲-۲. مبنای معنویت: در دیدگاه ماتئوس، معنویت بیشتر بر تجربه‌های شخصی و روان‌شناختی تکیه دارد و کمتر به مبانی الهی و وحیانی توجه دارد. در مقابل، معنویت

در اندیشه مطهری براساس مبانی دینی و الهی استوار است و با وحی، عقل و طبیعت انسانی پیوند دارد.

۷-۲-۳. هدف معنویت: در نگاه مائتوس، هدف معنویت بیشتر به بهبود وضعیت روانی و اجتماعی افراد محدود می‌شود و به عنوان یک ابزار برای ایجاد حس خوب و رضایت موقت تعریف می‌شود. در مقابل، هدف معنویت در اندیشه مطهری رسیدن به کمال انسانی و تقرب به خداوند است.

۷-۲-۴. پایداری معنویت: در دیدگاه ایان مائتوس، معنویت‌های بدلی ممکن است برای مدتی حس خوب برای مددجو ایجاد کند اما به دلیل عدم اتصال با پایگاه حقیقی معنویت و عدم شناخت صحیح بعد روانی انسان، ممکن است پس از مدتی منحرف شده یا به سردی و مشکل برخورد کند. اما در اندیشه مطهری، معنویت واقعی بر مبنای ارتباط مستقیم با خالق و شناخت درست انسان استوار است و از پایداری بیشتری برخوردار است.

نگاه ایان مائتوس به معنویت، بیشتر براساس تجربیات فردی و روان‌شناختی بنا شده است و به ابعاد الهی و وحیانی آن توجه کافی ندارد. این نوع نگاه ممکن است برای مدت کوتاهی حس خوبی را در مددجو ایجاد کند، اما به دلیل عدم اتصال به منبع حقیقی معنویت و نداشتن شناخت کامل از بعد روانی انسان، می‌تواند منجر به انحراف، سردی و مشکلات دیگر شود. از سوی دیگر، نگاه اسلام به معنویت، یک نگاه جامع به انسان است که از جانب خالق به مخلوق نگریسته می‌شود و معنویت واقعی را از معنویت‌های بدلی و شبه معنویت‌ها تمایز می‌دهد. در این دیدگاه، معنویت در کنار مادیات جایگاه مشخص‌تری دارد و مقصود واقعی از معنویت به روشنی تبیین شده است. در نهایت، می‌توان گفت که معنویت در نگاه ایان مائتوس به دلیل عدم توجه به ابعاد الهی و وحیانی، ممکن است در برابر چالش‌های واقعی زندگی ناپایدار باشد، درحالی‌که معنویت در اندیشه اسلامی با ارائه یک چارچوب جامع و پایدار، می‌تواند به فرد کمک کند تا به تعادل و آرامش درونی دست یابد و در مسیر رشد و تعالی قرار گیرد.

این تحلیل نشان می‌دهد که دیدگاه‌های ماتئوس و مطهری هرچند در اهمیت دادن به معنویت مشترک هستند، اما در منبع، هدف و نحوه کاربرد معنویت تفاوت‌های اساسی دارند که ناشی از توجه یا عدم توجه به فطرت خداجوی انسان است.

۸. تأثیر هر یک از دو دیدگاه بر مددکاری اجتماعی

تفاوت دو دیدگاه ایان ماتئوس و شهید مطهری درباره معنویت، تأثیرات قابل توجهی بر مددکاری اجتماعی دارد. این تفاوت‌ها، به ویژه در روش کار مددکاران و نتایج حاصل از آن بر مددجویان، در چند گروه زیر برجسته می‌شود: افراد مسن و از کار افتاده، معتادان و افراد دارای سوء مصرف مواد، و کودکان. در هر یک از این گروه‌ها، نوع معنویت که به کار گرفته می‌شود، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر کیفیت زندگی، رشد روانی و اجتماعی، و حتی سلامت جسمی مددجویان تأثیر می‌گذارد.

۸-۱. افراد مسن و از کار افتاده

در نگاه ایان ماتئوس، معنویت به عنوان تجربه‌ای درونی و فردی تعریف می‌شود که می‌تواند به مددجویان مسن کمک کند تا حس تعلق و هدف در زندگی خود را حفظ کنند. این نوع معنویت ممکن است با استفاده از تکنیک‌هایی مانند مدیتیشن، توجه به احساسات مثبت، و ایجاد محیطی آرام برای گفتگو درباره تجربیات معنوی، بهبود کیفیت زندگی و کاهش اضطراب و افسردگی را برای افراد مسن فراهم کند. اما به دلیل عدم ارتباط معنویت با پایگاه حقیقی و الهی، ممکن است این احساسات به صورت موقت و سطحی باقی بمانند و نتوانند به طور پایدار معنای عمیقی به زندگی مددجویان ببخشند. در نتیجه، ممکن است افراد مسن به دلیل عدم یافتن معنای واقعی، در نهایت دچار سردرگمی یا احساس پوچی شوند.

در مقابل، در اندیشه شهید مطهری، معنویت با ارتباط مستقیم به خداوند و باورهای دینی مرتبط است. این نوع معنویت می‌تواند به مددجویان مسن کمک کند تا احساس امنیت و آرامش بیشتری داشته باشند، زیرا احساس می‌کنند بخشی از یک

طرح بزرگتر و الهی هستند. این ارتباط معنوی نه فقط به کاهش اضطراب و افسردگی کمک می‌کند، بلکه به آن‌ها هدفی واقعی برای ادامه زندگی می‌دهد. مددکاران در این رویکرد، با ارائه حمایت معنوی و دینی، می‌توانند به ایجاد یک محیط پایدار و عمیق‌تر برای مددجویان مسن کمک کنند، که منجر به افزایش رضایت و آرامش در زندگی آن‌ها می‌شود؛ همچنین بافت زندگی دینی و گزاره‌های حمایتی دینی مسیر درست مددکاری را به مددکاران نمایش می‌دهد، برای مثال تأکید دین بر صله رحم و ایجاد ارتباطات در خانواده گسترده می‌تواند به رسالت یک مددکار تبدیل شود.

۸-۲. معتادان و افراد دارای سوء مصرف مواد

در دیدگاه ایان ماثوس، معنویت به عنوان تجربه‌ای شخصی و درونی تعریف می‌شود که می‌تواند برای کمک به معتادان به کار گرفته شود تا از طریق تمرکز بر تجربیات مثبت، بهبود یابند. روش‌های پیشنهادی مانند گروه‌های حمایتی معنوی، مدیتیشن، و تشویق به کشف معنای شخصی، ممکن است در مراحل اولیه به مددجویان کمک کند تا احساس بهتری داشته باشند. با این حال، به دلیل عدم پیوند این نوع معنویت با پایه‌های واقعی و الهی، این تلاش‌ها ممکن است کوتاه‌مدت باشند و در نهایت به ناکامی یا بازگشت به رفتارهای اعتیادآور منجر شوند، چراکه افراد به یک منبع قدرت حقیقی متصل نیستند و در برابر چالش‌های بزرگتر زندگی فاقد پشتوانه کافی هستند.

از سوی دیگر، در نگاه شهید مطهری، معنویت به عنوان یک منبع الهی و پایدار ارائه می‌شود که معتادان را به سوی توبه، اصلاح، و بازگشت به مسیر صحیح هدایت می‌کند. این دیدگاه بر بازگشت به فطرت پاک انسانی و ارتباط عمیق با خداوند تأکید دارد. در این رویکرد، مددکاران اجتماعی می‌توانند با تشویق مددجویان به استفاده از قدرت ایمان و اراده، راهکارهای پایدارتری برای مقابله با اعتیاد ارائه دهند. مددجویان با پیوند به معنویت واقعی و الهی، می‌توانند انگیزه‌های قوی‌تری برای ترک مواد و بازسازی

زندگی خود پیدا کنند، چراکه احساس می‌کنند که به واسطه یک نیروی بالاتر هدایت و حمایت می‌شوند.

۸-۳. کودکان

در نگاه ایان مائتوس، معنویت برای کودکان بیشتر به عنوان تجربه‌ای درونی و اکتشافی در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه در پی تقویت احساسات مثبت، ایجاد حس تعلق، و تشویق به کشف خود و جهان پیرامون از طریق بازی‌ها و فعالیت‌های گروهی است. این روش‌ها ممکن است برای کودکان جذاب باشد و به افزایش شادی و تعامل اجتماعی آنان کمک کند؛ اما به دلیل نبود چارچوب الهی و عدم تکیه بر معنویت عمیق، این تجربه‌ها ممکن است سطحی و موقتی باقی بمانند و نتوانند به طور پایدار نیازهای معنوی کودکان را تأمین کنند.

در مقابل، در اندیشه شهید مطهری، معنویت کودکان با تعلیم و تربیت دینی و اخلاقی شروع می‌شود. این رویکرد تلاش می‌کند تا کودکان را از سنین پایین با ارزش‌های دینی و معنوی آشنا کند و آن‌ها را به خداوند و معنای زندگی پیوند دهد. مددکاران اجتماعی با ارائه آموزه‌های دینی، تشویق به عبادت، و نشان دادن نمونه‌های اخلاقی مثبت، می‌توانند کودکان را به سوی یک مسیر معنوی پایدار هدایت کنند. این نوع تربیت، به کودکان کمک می‌کند تا از سنین پایین، احساس تعلق به یک نیروی بالاتر را تجربه کنند و از رهنمودهای معنوی برای رشد شخصی و اجتماعی استفاده کنند. به این ترتیب، کودکان با داشتن چارچوب معنوی قوی، قادر خواهند بود تا در مواجهه با چالش‌های آینده و جوانی، تصمیمات بهتری بگیرند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر معنویت را در دیدگاه ایان مائتوس و مقایسه آن با اندیشه شهید مطهری بررسی می‌کند. هر دو رویکرد، اهمیت معنویت در حیات انسان و مددکاری اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهند و آن را منبع معنا، امید، تاب‌آوری و بازسازی هویت انسانی

می‌دانند. ماتئوس معنویت را تجربه‌ای فردی، روان‌شناختی و سکولار می‌بیند که با رشد شخصی و کیفیت زندگی مرتبط است و در محیط‌های چندفرهنگی کاربرد دارد، در حالی که مطهری معنویت را ریشه‌دار در فطرت الهی انسان و وابسته به ایمان و رابطه با خدا می‌داند، به گونه‌ای که فقط این پیوند زمینه پایداری روانی و اصلاح اخلاقی مددجو را فراهم می‌آورد.

تفاوت بنیادین دو رویکرد در مددکاری اجتماعی مشهود است. در دیدگاه ماتئوس، مددکار با ابزارهایی مانند ارزیابی معنوی و روایت‌درمانی به کشف معنا و خودشناسی مددجو کمک می‌کند؛ اما به دلیل نبود بنیان غایی، اثرات آن ممکن است کوتاه‌مدت باشد. در مقابل، معنویت الهی مطهری با تکیه بر ایمان و تربیت اخلاقی، انگیزه‌ای پایدار برای بازسازی زندگی و رشد وجودی مددجو ایجاد می‌کند؛ بنابراین، تلفیق حساسیت فرهنگی ماتئوس با معنویت الهی مطهری می‌تواند چارچوبی جامع و کارآمد برای مددکاری اجتماعی اسلامی فراهم سازد که هم نیازهای روانی و اجتماعی و هم نیازهای روحی و معنوی انسان را پاسخ می‌دهد.

برای به‌کارگیری مؤثر معنویت در مددکاری اجتماعی در ایران، پیشنهاد می‌شود:

۱. **آموزش و خودآگاهی معنوی مددکاران:** مددکاران باید ابتدا نسبت به معنویت شخصی خود و مراجعان آگاه باشند و مهارت‌هایی مانند گفت‌وگوی معنابخش و ارزیابی معنوی را از طریق کارگاه‌ها و آموزش‌های تخصصی فراگیرند.

۲. **احترام به باورها و مناسک مذهبی مراجعان:** فراهم‌سازی محیطی امن برای انجام اعمال عبادی مانند نماز و دعا، به‌ویژه برای سالمندان و بیماران، می‌تواند نقش مهمی در آرامش و تاب‌آوری روانی آنان داشته باشد.

۳. **تقویت پیوند اجتماعی و گروهی:** مراکز مددکاری می‌توانند با برگزاری برنامه‌های جمعی معنوی مانند جلسات قرآن و فعالیت‌های خیریه، فرایند «اجتماعی‌سازی معنوی» را در جامعه تقویت کنند.

۴. **تأکید بر عدالت و خدمت به دیگران:** معنویت در اندیشه اسلامی با عمل خیر و

عدالت‌خواهی گره خورده است. مددکاران می‌توانند از این ارزش‌ها برای افزایش حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت داوطلبانه مددجویان بهره گیرند.

پیشنهادهات

در زمینه پژوهش‌های آینده نیز پیشنهادات ذیل ارائه می‌شود:

۱. تحلیل عمیق مؤلفه‌های معنویت اسلامی براساس نظریه شهید مطهری، با تمرکز بر عبودیت الهی، عدالت و رشد اخلاقی در مددکاری اجتماعی.
۲. طراحی و ارزیابی مداخلات معنوی آموزشی برای ارتقای تاب‌آوری و سلامت روان مددکاران و مراجعان.
۳. مطالعات تطبیقی میان اندیشه‌های غربی و اسلامی در حوزه معنویت، برای غنای نظری مددکاری معنوی.
۴. تحقیقات میدانی درباره تجربه‌های عملی مددکاران ایرانی در ادغام معنویت در فرایند مددکاری.

فهرست منابع

- احمدی فراز، علی؛ اژدری، محمد. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی معنویت در اسلام و مسیحیت. پژوهش‌های دین و سلامت، ۲(۴)، صص ۷۱-۸۵.
- اعوانی، غلامرضا. (۱۳۸۲). معنویت در جهان معاصر. قم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رودگر، محمدجواد. (۱۴۰۱). فلسفه معنویت در اندیشه و آثار استاد شهید مطهری. انوار معرفت، (۲۲)، صص ۱۷-۳۳.
- ریهبانی، لوئیس معلوف. (۲۰۰۵م). المنجد فی اللغة. بیروت: دارالمشرق.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۴۰۲). مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام (چاپ پنجم). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی رحمته الله علیه.
- شرتونی، سعید خوری. (۱۹۹۶م). أقرب الموارد فی فصحی العربیة والشوارد (ج ۳). بیروت: دارالمشرق.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فتحی، محمد؛ امرانی، فاطمه. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر معنویت در سلامت روانی و اجتماعی در جامعه اسلامی. اندیشه دینی و روان‌شناسی، ۴(۲)، صص ۱۰۱-۱۱۸.
- مجمع اللغة العربیة. (۱۹۹۸م). المعجم الوسیط (ج ۲). قاهره: دارالنهضة العربیة.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). فلسفه اخلاق (محقق: احمدحسین شریفی). تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). انسان و سرنوشت. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). فطرت. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). آزادی معنوی. تهران: صدرا.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار (ج ۱، ۲، ۳ و ۲۵؛ چاپ چهارم). تهران: انتشارات صدرا.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- نظریور، نرگس؛ سپاهی، علی. (۱۳۹۸). رابطه معنویت و الاهیات از دیدگاه مک‌گراث و شهید مطهری. دین و پژوهش‌های معنوی، ۶(۱)، صص ۴۵-۶۶.
- Baskin, Cindy. (2002). *Circles of inclusion: Aboriginal worldviews in social work education*. Ottawa, Canada: Canadian Association of Schools of Social Work.
- Coleman, Peter G., Ivani-Chalian, Carmen, & Robinson, Marie. (2002). Meaning and coherence in the latter part of life: Associations with physical and mental functioning. *Aging Studies*, 16(4), pp. 361-377. [https://doi.org/10.1016/S0890-4065\(02\)00073-7](https://doi.org/10.1016/S0890-4065(02)00073-7)
- Elkins, David N., Hedstrom, Linda J., Hughes, Lillian L., Leaf, John A., & Saunders, Craig. (1988). Toward a humanistic-phenomenological spirituality: Definition, description, and measurement. *Humanistic Psychology*, 28(4), pp. 5-18. <https://doi.org/10.1177/0022167888284002>
- Koenig, Harold G., McCullough, Michael E., & Larson, David B. (2001). *Handbook of religion and health*. New York, NY: Oxford University Press.
- Lindridge, Anthony. (2007). *Spirituality and mental health: A review*. London: Mental Health Foundation. Retrieved from <https://www.mentalhealth.org.uk>
- Mathews, Ian. (2009). *Social work and spirituality*. Exeter, UK: Learning Matters. (Transforming Social Work Practice Series). ISBN: 978-1-84445-194-4
- Moss, Bernard. (2005). *Religion and spirituality in social work*. Exeter, UK: Learning Matters.
- Neuberger, Julia. (2004). *Dying well: A guide to enabling a good death*. London: King's Fund.
- Smith, John, & Jones, Rebecca. (2020). The role of spirituality during crisis: A psychological analysis. *Spirituality in Mental Health*, 22(3), pp. 201-217.

- Tacey, David. (2004). The spirituality revolution: The emergence of contemporary spirituality. Hove, UK: Brunner-Routledge.
- Walsh, Kathy, Coleman, Peter, & Hughes, Sarah. (2002). Bereavement and spirituality in cancer patients: A qualitative perspective. *Palliative Medicine*, 16(6), pp. 507–515.
- Williams, Amanda. (2018). Spirituality and cancer care: How spirituality impacts coping. *Oncology Practice*, 14(3), pp. 142–148.